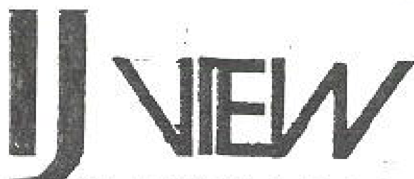


IRANIAN JEWISH ASSOCIATION OF CALIFORNIA

9171 WILSHIRE BLVD. • SUITE 310 • ROOM 158 •
BEVERLY HILLS, CA. 90210 TEL. (213) 858-9206

OCT. 1979

REPORT

By: J. Afari

In a recent Friday night service at Sinai Temple, Rabbi Dershowitz talked about the Iranian Jewish Community here in Los Angeles. The talk was directed towards both Iranians and Americans. The Rabbi had harsh words for the Iranians for not coming together and helping each other at times when most of the community is in need of guidance. The following are parts of the Rabbi's lecture, ending with a message for the Iranians:

"We are faced with many serious problems for those Iranian Jews who are here; housing, schooling, earning an income, and creating a distinct and distinguished community composed of Jews from Iran. How sad it would be if the heritage and the customs and the traditions that evolved for 2500 years, would suddenly be wiped out merely because of change of locale."

"The American Jewish Community is certainly no more than one hundred years old. Compared to the 2500 years history of the Jewish establishment in Persia, American Jewish Community here is in its infancy. One of the many characteristics of Iranian Jews is the strong family ties they maintained then and maintain now. The great pride in their heritage, is to support family members regardless of circumstances, be it financial or any other ..." "The first dark shadows became evident when young people began to approach me for help to find Jewish homes to live in, so that they might remain here while their parents went back to Iran. Why couldn't these young people be placed in homes of those Iranian Jewish families that were already here? I was turned down in every instance and we could place these young peopleonly with a very few American Jews, members of our congregation and our community. While Jews from Iran fiercely helped those within their own family, social and cultural considerations prevented them from accepting childern from other families even when the desparation of the situtation warranted more humane consideration."

"Why should the individual Iranian Jews still have to confront me, to ask if I can find homes for them? By now there should have been a survey of the community, calling its leaders together, insisting on a more comprehensive program to solve the problem. A strong and active Jewish committee can do wonders. I call on their leaders to review their posture of muffled tone. Its time to speak out ."

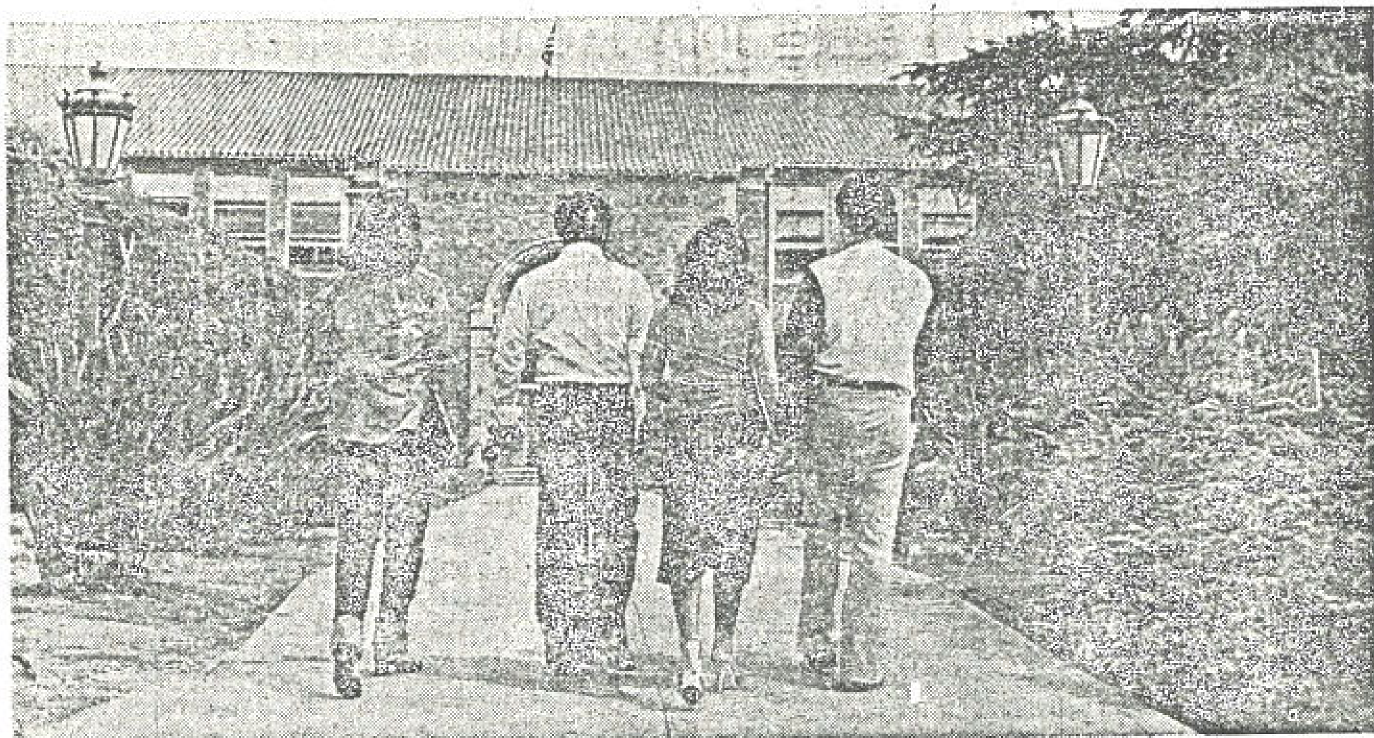
He added that some young people in the community had approached him and expressed their desire to create such a program , and that these people should be supported by the community in their efforts. He questioned," Why has the community not dealt with the matter of Jewish education for thousands of children?"

"We need to pull our resources together . This moment cries out for action, unity, optimism.The breaches must be healed . Within one Jewish community in the U.S. we may have a wide divergence of views.

I would be horrified if the great Jewish Persian culture would disappear We have so much to learn from our new Iranian friends. If only we could have such strong families, loyal ties to our loved ones.I pledge with all the power at my command, let us learn from you how children remain faithful to parents, how values are transmitted how to develop the kind of loyal loving family ties you have. We must do every thing we can to help the Iranian Jewish community maintain its distinguished identity, yet never at the expense of keeping them from integrating with us. The fact that we have not met up to now does not mean that we have not known each other in a spiritual way all our lives."

سازمان یهودیان ایرانی مقیم کالیفرنیا "سیامک"

Sun., Sept. 23, 1979 Los Angeles Times



NOT ENROLLED—Three Iranian teen-agers and their guardian walk toward the West Los Angeles high school where they were told their visas prohibited admission until processed by district office.

Times photo by Mary Frampton

REFUGEES MEET BUREAUCRATIC OBSTACLES

School Doors Close to 300 Iranian Pupils

BY DIANE ELVENSTAR

Michael Morviri, 14 years old and a recent arrival in Los Angeles from Iran, wants to go to school. In fact, he might be described as eager to enroll.

But city school administrators won't take him, saying he will have to wait for an evaluation and even that might not get him in.

Michael Morviri (not his real name) has a proper visa—a student visa which is good until June 1, 1980. But that doesn't guarantee he will be enrolled in public schools here.

Ironically, if he had arrived at school offices without documents—without a visa—he most likely would be spending his days in classrooms.

Morviri is not alone. There are at least 300 Iranian refugees in Los Angeles who can't get past the school door. They have become victims not only of political changes in their homeland but of U.S. government and school district regulations.

State law requires that all people between ages 6 and 18 be enrolled in public or private schools. Whether these regulations apply to young people on visas may be another matter. One legal decision has found that people holding tourist visas are just "visiting" the United States and therefore the public schools are not open to them.

Those holding student visas have another problem—their visas are limited to designated schools. If a pupil moves to another school—not indicated on the visa—he may not gain admittance to that school.

Complicating the matter further in Los Angeles is that school officials require extensive documentation of the alien's status, something that requires several weeks to obtain.

In addition, the Los Angeles city school district requires visa holders to be

Please Turn to Page 14, Col. 1

دنباله ایرانی ایرانی ......

در اینجا نیز از تمام مقامات و دوستانی که در این راه بما کمک کردند تشکر مینمائیم.

بخش دیگری از این مقاله نیز که به بررسی وضع نوجوانانی که در یک مدرسه خصوصی نیویورک پانسیون میباشند پرداخته بود.

اظهارات این دانش آموزان و وضعیت بسیار نامناسبی که با آن روبرو میباشند، کمیته فرهنگی و سازمان را به تحقیق بیشتر واداشت.

متاسفانه اکثر این اظهارات صحیح بوده و ما نهایت کوشش خود را برای مذاکره با مقامات مدرسه واقع در نیویورک خواهیم کرد تا در زندگی و وضع تحصیلی آنان تجدید نظر گردد.

"کامران آغاری"

IJAC is a non-profit, non-political organization

چند خبر...
درحاشیهٔ وقایع...

کلاسهای زبان انگلیسی

کلاسهای زبان انگلیسی با اخذ مدرک اتمام دوره برای اعضاء ،درسه محل – وَلی،بورلی هیلز ، وسانتا مونیکا دائر میباشد.
شروع کلاسها از ۱۵ اکتبر بوده وعلاقمندان می – توانندبرای ثبت نام واطلاعات بیشتر بدفتر سازمان تماس بگیرند.

(۲۱۳) ۸۵۸ ۹۲۰۶

اعلامیه کمیته فرهنگی – مذهبی
با شروع قریب الوقوع کلاسهای زبان انگلیسی – فارسی – عبری از کسانی که ما یلند کتابی از این ۳ زبان ویا داستان و... به کتابخانه سازمان هدیه نمایند با این کمیته تماس حاصل نمایند

روبن ملکان



دارالترجمه
برای ترجمه هرگونه مدارک رسمی وغیررسمی توسط مترجم با سابقه ایرانی تائیدشده آمریکا با دفتر سازمان تماس بگیرید.
اعضاء سازمان از تخفیف ۵۰% برخوردار خواهند بود.

سازمان ،صمیمانه از شما میخواهد که بهرطریق مایلید به ما کمک نمائید.
تدریس هررشته ،کارپستی ،فعالیت درکمیته – دلخواه خود ویا تنها شرکت کردن درجلسات هفتگی هیئت مدیره ویا قبول عضویت ....

(۲۱۳) ۸۵۸ ۹۲۰۶



اگر در رشته تئاتر وموسیقی سابقه داریدویا فقط علاقمندید ،با آگاه کردن ما ،از شما دعوت خواهیم کرد که با کسانی که قبلا اظهار علاقه کرده اند ملاقات نمائید.
سازمان درنظر دارد که یک گروه تئاتر وبا ند موسیقی تشکیل دهد.

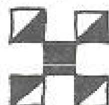
خانه

برای جوانان کم سن وسال که احتیاج به مراقبت خانواده غیردارند ،خانواده های علاقمند می – توانند برای ثبت نام برای فرزندان خود ویا پذیرش این نوجوانان وکسب درآمد با دفتر سازمان تماس بگیرند.

نگاهداری فرهنگ وزبان ملی لازمه بقا وپایداری حیثیت ایرانی است .با توجه به این مهم ، کلاسهای زبان فارسی را از ساعت ۹ صبح تا ۱ بعدازظهر روزهای یکشنبه دربورلی هیلز برقرار مینمایید . با ما تماس بگیرید.



برای مقابله با مخارج کمرشکن درمانی از بیمه گروهی سازمان استفاده نمائید .اگردرحال حاضر دارای این نوع بیمه میباشید ،میتونید با تعیین وقت قبلی بیمه خودرا با بیمه سازمان – مقایسه نموده ودرصورت تمایل آنرا تعویض نمائید مطمئنا بصرفه شماست.



کمیته مذهبی ،با استفاده از مدرسین تحصیلکرده این رشته درآمریکا آمادگی خورا برای آماده – نمودن فرزندان شما درمدت کوتاه برای مراسم تفیلین بندان و BAR-MITZVA اعلام می نماید.

کمیته مذهبی

پزشکان ایرانی

واقرادوابسته به این حرفه .
برای اطلاع از پیشرفتهای فعالیتهای ما درمورد کار، اقامت ،وتشویق مراجعان ایرانی به تماس با دکترها وحرفه های وابسته ایرانی و کلوب مخصوص این قشر ،با دفتر سازمان وآقای دکتر دانشراد تماس حاصل فرمائید.

حرکت لاک پشتی

سازمان "سیامک" در راه پیشبرد هدفهای انساندوستانه خود با اکثر سازمانهای ایرانی، آمریکائی، و دیگر کشورها که در محدوده مرامنامه سازمان ما قرار دارند در رابطه و تبادل نظر میباشد.
خواهی نخواهی در این راه با سازمانهای ایرانی یهودی، ارتباط بیشتر و گسترده تر است.
سازمان فرهنگی، از سازمانهائی است که تا بحال طبق درخواست ما دو جلسه مشترک ترتیب داده است. سازمان فرهنگی یهودیان که در لس آنجلس فعالیت میکند سال پیش با عمل خیر و بسیار ضروری مراسم روزهای مقدس و مبارک کیپور اعلام موجودیت نمود. امسال نیز این مراسم را در همان محل انجام دادند.
سازمان فرهنگی که از آقای مسعودها رونیان، آقایان کروبیان آقای سینائی، آقای قدسیان، آقای نورمند و آقای روانشناس و آقای سعید شکریان متشکل شده است کارهای مربوط به روزهای مبارک را انجام داده اند. در این راه سازمان "سیامک" بنا به درخواست آنان در مورد فروش و تبلیغ و همچنین انتظامات محل به یاریشان دست یازید.
از سازمانهای دیگر یهودی ایرانی، سازمان زنان میباشد که در سال گذشته تقریبا فعالیتی نداشتند ولی در کادر رهبری خود دست به یک سری نقل و انتقال زده و یا تعدادی با دادن استعفا از آن جدا شدند.
سازمان جوانان ایرانی یهودی، نیز که اول میرفت امیدتازه ای از فعالیت جوانان نمایان باشد، بخاطر عدم افکار و ایده های مشابه و اخلال از بیرون، پس از استعفای رئیس سازمان با یک سری استعفا از طرف دیگر اعضاء روبرو و عملا منحل شد و از نظر قانونی نیز غیر قابل فعالیت میباشد.
سازمان پیشرو، که هیچوقت صورت قانونی نگرفت، پس از تشکیل چند جلسه و نشر و پخش دو اعلامیه، دیگر خودی نشان نداده است.
برای ما که اکنون به اتحاد و سرعت عمل زیاد در مقابل اشکالات روزافزون روبرو هستیم، این کمکاری و تعدد نابجای سازمانها تاسف بار است. و چه بهتر آنکه اگر سازمانی در عرض سال تنها دست به یکی دو تا کار میزند، و یا با کمبودهائی مواجه است، جلوی مخارج نابجا را بگیرد و در سازمانهای فعال دیگر مثمر ثمر شود.
دوستانه میگویم و چون در یک حالت و با یک خانواده که سالها در کار اجتماعی فعالیت میکنند از نزدیک آشنائی دارم، اجازه میخواهم یک پیشنهاد به نفع مردم و جامعه بکنم.
سازمان فرهنگی پس از هر نشست یکساله خود به رهبری آقای مسعود هارونیان فقط به برگزاری مراسم کیپور و روش هشانا میپردازد.
بنظر من و برای صرفه جوئی در وقت، پول و انرژی آقای ژرژ هارونیان، تنها عضو سازمان پیشرو، آقای دانی هارونیان عضو باقیمانده سازمان جوانان و خانم هارونیان عضو سازمان بانوان که در عرض سال فعالیتی ندارند، به سازمان فرهنگی بپیوندند و به پدر یا همسر خود کمک نمایند. البته این پیشنهاد صرفا جنبه راهنمائی داشته چون بار ها آقای مسعود هارونیان دلیل کمکاری را کهولت سن افراد سازمان خودشان قلمداد کرده بودند.

[illegible]

خوش آمدید

خواستیم اینجا تشکری کرده باشیم از همه کسانی که با قبول عضویت عملا از ما حمایت کرده و ما را تائید نمودند.
دوست عزیز مطمئن باش که در راهی که خواسته ای قدم برخواهیم گذاشت و ممنونیم.

"سازمانت"

باتمام قوا یگانگی را تقویت کنیم

یهودیان ایرانی وقت آنست که برای رفع مشکلات موجود بیاری هم برخیزیم.
بیائید، دست از مارک زدن و متهم کردن یکدیگر برداریم.
جامعه امروز ما یکی از دورانهای تاریخی و بزرگ خود را میگذراند. با مشکلاتی روبرو هستیم که کمتر نظیر آن دیده شده است.
بیائید از جنگ بین پیر و جوان، حداقل بخاطر مصالح اجتماع بپرهیزیم.
جوانان ما با خطرات بیشماری در این کشور پهناور روبرو هستند. افراد مسنی هم هستند که عمری را در ایران گذرانده اند و حالا بدون دوست و رفیق، بدون زبان و کنج خانه نشسته اند و به صفحه تلویزیون زل زده اند.
که باید برخیزد؟ چرا اگر عده ای از افراد دور هم جمع شده اند و بقول خودشان انرژی جوانان را ندارند، از نیروی جوانان استفاده نمیکنند. چرا از نیروی مغزی دکترها، مهندسین، و اساتید دانشگاه بهره نمیگیرند. نباید جوانان را از خود برانیم. امروزه تمام فعالیتهای آمریکا در تمام شئون اجتماعی بدست جوانان صورت میگیرد. باید از این چرخهای فعال اجتماعی بهره گرفت.
سازمان "سیامک" در راه هدفهای انسانی و پرافتخار خود، دست یاری هر کس را از هر طبقه میطلبد.
علاوه بر کمک مالی که برای خرج نیاز شماست، به هر نوع کمک از هر طریق و از هر راه نیازمندیم.
اگر نویسنده هستید برای نشریه مقاله بنویسید.
اگر شاعرید برای چشم انداز شعر بفرستید.
اگر اهل موسیقی هستید، بیائید در تشکیل یک گروه موسیقی که شدیدا به آن احتیاج داریم فعالیت کنید. اگر دارای شم تجاری میباشید، بیائید در کمیته مربوطه همکاری کنید. اگر اهل علم و سخنرانید، با گفتار خود به راهنمائی دیگران برخیزید.
به ما بپیوندید. آغوش باز ما انتظارتان را میکشد. بیائید اجتماعی بسازیم، بی نیاز از دیگران، و مشکل گشای جامعه خودمان.

[illegible]

سازمان یهودیان ایرانی مقیم کالیفرنیا ناشر افکار قشری از این جامعه بوده و نه تمامی آن. نیز در اینجا اعلام میدارد که هیچ فرد، گروه یا سازمانی سخنگو و نماینده تام این جامعه نمیباشد. سلب مسئولیت فرد فرد جامعه از نوشته ها و گفته ها بجاست.
"چشم انداز"

دنباله الو.......

گفت: تنها راهی که برامون مونده اینه که یهوشع برای مدتی منوطلاق بده بره لاس وگاس یه زن آمریکائی مصلحتی بگیره. فکرکنم چندهزار دلاری تموم بشه ولی اگه بدشانسی نیاریم برو برگرد نداره.

گفتم راستی شماره تلفن موسی رو دارین.

گفت: توی دفترچه تلفن بوده یهوشع با خودش برده. اگه بخوای آدرس خونه ش دارم بهتون بدم.

گفتم: میشه رفت دیدش؟

گفت: تنها روزی که میشه دیدش روزشنبه س.

آدرس را گرفتم و متوجه شدم که شاید بالاترین نقطه بورلی هیلز حضرت خانه دارد. انتظارش را هم داشتم که در آن بالا بالاها باشد. چون علاقه موسی را به کوهنوردی میدانستم و خوب هم بخاطر داشتم که چطور هم این علاقه اش به کوهنوردی ۴۰ روز را ۴۱ روز کرد و چه قشقرقی که راه افتاد. درهرحال آدرس در دست منتظر روزشنبه شدم.

دنباله در شماره آینده.

درضمن چنانچه با خواندن این مقاله احساس انتقاد بهتون دست داد، آنرا دوباره بخوانید.

سال نو مبارک

قومی هستیم که لفظ "تر" ما را تعقیب میکند. ما آنرا بدنبال خود کشیده ایم یا کشیده اندیا کشیده است نمیدانیم. موردها بسیار و چسبندگی لفظ "تر" درهرموردی آشکار.

مورد سرگذشتمان و اینکه "گفتنی تر" از هر قوم دیگریست، محض مثال کافی است.

در آستانه سال نو و در روز مرور بر پرونده هایمان در دادگاه عدل الهی خواستار محکومیت لفظ "تر" بخاطر دنبال کردن دلهره فردا میشویم پنجهزار و هفتصد و چندسال دلهره فردا "بیشتر" از هر قوم دیگری اسید را در معده ما تلمبار کرده. زیر کلمه دلهره فردا خط مهم میکشیم و میرویم که غروب کیپور برگردیم با خواسته هایمان.

"چشم انداز"

سرزمین من

سرزمین من

مرزهای غرور من

مرزهای حیثیت

مرزهای آزادی و مرزهای حرمت انسانی من است:

ریشه درخاک

بازوان برافراشته در فضا.

سرزمین من

روح من،

منزلگاه ابتدا و نهایت هستی من است.

پس

آنچنان که زندگی میکنم

آنچنان که دوست میدارم

آنچنان که میگریم و میخندم،

باید تا سرزمینم را حس کنم

باید تا آنرا

با همهٔ خونی که در رگ دارم، نماز گذارم.

سرزمین من

راههایی ست که تاریخ از آن گذشته

راههایی ست که سرنوشت از آن خواهد گذشت

جلگه‌هایی ست که عشق در آن معنا یافته

کویری ست که زندگی در آن خوابیده.

سرزمین من

جریانی ست همیشه

جریان خنکایی که بردشنها می‌گذرد

جریان رودی که برکندمها.

سرزمین من

باغ کاشتن های زیبائی

پذیرش گام بلند سنگین فتح

اسبی که نمی‌دود، بلکه

همواره اوج می‌گیرد.

حسی از این سرزمین

درمن

کافی ست تا همهٔ نفسم را به یادش برکشم

حسی که تمدن قومی مرا

به یاد می‌آرد

و غنای تاریخم رابه رخ می‌کشد.

سرزمین من

حماسهٔ بلند هستی

منزلگه آزادی

و آزادی بی‌پروای پریدن.

سرزمین من

گاهوارهٔ سرودهایم

و سرودهای من

نیایش بی‌آرام سرزمین من است.

"چشم انداز"
ناشر: سازمان یهودیان ایرانی مقیم کالیفرنیا "سیامک"
سردبیر: ابی سیانی
همکاران این شماره: ژانت آفاری، کامران آفاری، فریدا آفاری، داریوش فاخری، دکتر دانشراد، رویا فاخری و روبن ملکان.

الو ... موسی

با موسی سالهاست که آشنائی خانوادگی دارم. مدتها بود میدانستم که در بورلی هیلز، خانه‌ای درست و حسابی خریده. منتها منهم مثل شما از آدرس دقیق آن بی‌اطلاع بودم. راستش با حس کنجکاوی که هم در من و هم در رفامیلم وجود دارد، بی میل هم نبودم که بدانم کجای بورلی هیلز است و چقدری برایش پول داده. البته از اینجا و آنجا شنیده بودم که در زمان ارزانی خانه را خریده و وام ۸% گرفته، که با نرخ ۱۳% امروزه بردکرده.

ولی از آنجائی که قبلا بی اندازه هم من و هم فامیلم مزاحمش شده بودیم، خجالت میکشیدم و شاید میترسیدم که با او در تماس باشم. چه خوب میدانستم که او اصولا قدری عصبانی مزاج است. جریان دعوایش با فرعون و خوردکردن لوحه‌ها درنظر داشتم.

تا اینکه درگیریم با سازمان یهودیان ایرانی مقیم کالیفرنیا و مواجه شدن با مشکلاتی طاقت فرسا، فکر دیداری با حضرت موسی در من زنده شد.

مسلم میدانستم که تلفنش "آن لیستد" (دردفتر تلفن قیدنشده) است. وتنها کسی که امکان داردشماره‌اش را داشته باشد، معاونش – یهوشع است و بس.

تلفن زدم منزل یهوشع، خانمش گوشی را برداشت و بعد از چاق سلامتی گفتم: اگر ممکن است گوشی را بدهد یهوشع.

گفت: متاسفانه مدتی است بین بچه‌های یعقوب دوباره دعوا شده و یهوشع رفته کنعان بلکه آشتیشون بده.

گفتم: دعواشون برسرچیه؟

گفت: همیشه چی بوده؟

گفتم جریان پوله؟

گفت: قربون زبونت. حقیقتش اینه که یعقوب خدابیامرز یک باغ انگوری برای دوازده تا برادری گذاشت.

دوسه سال پیش که قیمت زمین بالا بود و خوب میخریدند دوتا پسر بزرگی رفتند روی سهم خودشون از بانک وام گرفتند. و آمدند خارج.

حالا که قیمتها پائین اومده بانک ادعای مالکیت تمام باغ و خونه و زندگی ده تا برادرهای دیگه کرده. حالا اینها میگن بیائید مقداری از خسارتها را شما دوتا برادری بدین دوتا برادری هم میگن: ما میخواستیم باغ را بفروشیم شما نگذاشتید. گفتید قیمتش بالا میره. ما خسارت خودمون دادیم.

گفتم: از موسی چه خبر؟

گفت: والله خودشرو حسابی کشیده کنار. و تموم کارها روگذاشته رو دوش شوهرمن.

گفتم: مگه موسی هنوز در جریان شریک نیست.

گفت چه شریکی؟. از موقعی که عصاش روداد دست شوهر من اگه بگی یک کلام با ما صحبت کرده باشه.

گفتم: بچه‌ها چطورن؟

گفت بمیرم براشون. کی وقت کرده به بچه‌ها برسه؟ — ما شاءالله مهمون داری مجال نمیده به خودمون برسیم

یا داریم مهمون میرسونیم فرودگاه یا از فرودگاه مهمون میاریم. براشون باید فکرخونه باشیم، کار باشیم مبلمان باشیم........

گفتم: صحبت از مبلمان شد، موسی خونه‌ش با مبلمان خرید؟

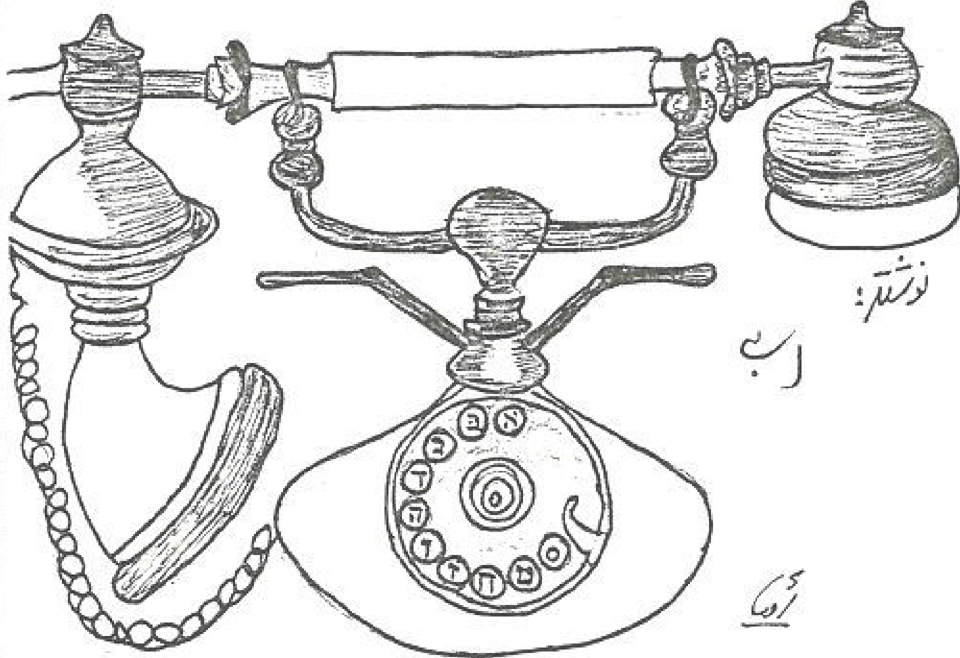
گفت آره. ولی اینو میخواستم بگم شاید تا حالا یهوشع صدبار رفته "دیزی لند". میخواد باورتون بشه میخواد نشه، هنوز بچه‌های من اونجا روندیدن.

گفتم: چرا؟

گفت: والله ما یک ماشین تویوتای کوچک داریم و همیشه ما شاءالله تعداد مهمونها انقدر زیاد بوده، که جا برای بچه‌های خودمون نشده.

گفتم: انشاءالله هفته دیگه خودم میبرمشون. راستی برای گرین کارت چکار کردین؟

گفت: والله اولش خواستیم وکیل بگیریم گفتند نمی‌خواد. ما را از این سازمان به اون سازمان پاس دادن وهی کاغذپرکردیم وهیچ خبری نشد. بالاخره وکیل



گرفتیم. اینطوری که پیداست از راه "بیزینس" که تا سه چهار سال دیگه نمیشه کاری کرد. وکیله میگه: اگه یک کمپانی پیدا بشه که بگه به یهوشع احتیاج داره شاید بشه از این راه کاری کرد. ولی با اینهمه پیغمبر که توی این مملکت ریخته به پیغمبرخارجی اونم با لهجه سنگین احتیاج داشته باشه.

گفتم منظورتون از لهجه سنگین چیه؟ مگه لهجه خارجیهای دیگه سبکتره؟

گفت: لهجه مادرزادی یادتون رفته؟

گفتم: اون که دیگه توی این مملکت مطرح نیسته

گفت: قربونتون برم، مگه آسمون چندرنگه؟

دیدم جریان داردمیرود رنگ سیاسی بخودش بگیرد دنده عقب گرفتم.

گفتم: بالاخره گرین کارت چی‌شد؟

دنباله درصفحه ٤

هموطن!

یاری کن تا مقاومت کنیم

یان

دربیستم جولای ۱۹۷۹ وطی یک دعوتنامه، عده‌ای ازیهود ایرانی مقیم کالیفرنیا، برای اولین بار با سازمان تازه‌پای "سیامک" آشنا شدند.
از آن زمان چه‌ها کشیدیم و با رتحمل اعتماد این گروه ۱۵۰ نفره ما را به‌چه شب زنده‌داریها کشید خود ازفرصت این مقوله خارج است. وچون ادعای خودبزرگ نمائی نداریم، وصرفا برای اطلاع به فهرست فعالیتها از آن روز تاکنون، به نظرتان میرسد.

■ گرفتن بیمه‌گروهی. بنا به مخارج سرسام آور درمانی وبخاطر اینکه بیمه، اگربصورت فردی ابتیاع شود بسیار گرانتر خواهد بود.

■ سخنرانی درمورد آخرین قوانین مهاجرتی توسط دکترفیلسوف. این سخنرانی بنا به فارسی زبان بودن سخنران و اهمیت موضوع برقرار شد. گوش تا گوش پربودن سالن، ومحتوی قوی سخنرانی، نشانه موفقیت این برنامه بود.

■ تماس با افراد ذیصلاحیت درمورد خودداری از پذیرش دانش‌آموزان ایرانی درمدارس لس‌آنجلس. سازمان، ازطریق کمیته فرهنگی با تماس با روزنامه معتبر "لس‌آنجلس تایمز" ترتیب یک بررسی ومصاحبه را داد. نتیجه آنکه: دوروزپس ازچاپ این مصاحبه ازطریق مقامات آموزشی وطی دستوری تمام مدارس ازاین پس نمیتوانند هیچ دانش‌آموزی ایرانی را موردتبعیض قرار دهند وموظف به پذیرفتن آنان میباشند.

■ تماس با سازمانهای یهودی.

درپی ملاقات با "ربای دورشویتز" ربای روشنفکر وخیر "کنیسای سینا" "موانع ومشکلات برقراری تفاهم بین یهودیان ومحیط جدید" موردبحث وبررسی قرار گرفت. ربای دورشویتزبا تائیدسازمان "سیامک" و هدفهای آن اظهارداشت که‌جای چنین سازمانی واقعا درلس‌آنجلس وحومه خالی بود. وی‌دریک نطق شب شنبه ازایرانیان خواست که‌به این سازمان بپیوندند همچنین خانم ژانت آفاری، معاون سازمان نیز قرار است درشب مبارک کیپور درمحل کنیسای سینا درمورد ایجاد پلی برای تفاهم بیشتر بین یهودیان آمریکائی وایرانی وطرح مشکلات جامعه ما، به نمایندگی ازطرف یهودیان ایرانی مقیم کالیفرنیا سخنرانی نمایند.

■ کلاسهای زبان.
کلاسهای زبان سازمان از ۱۵ اکتبربرقرار میباشد. با ترتیبی که کمیته فرهنگی با سازمانهای ذیصلاحیت برقرار نموده است، افراد شرکت کننده درپایان دوره موفق به اخذ گواهینامه اتمام دوره که مورد قبول ایالت کالیفرنیا میباشد، میگردند.

■ دارالترجمه سازمان.
با ایجاد دارالترجمه سازمان، گام دیگری در راه تسهیل مشکلات اعضاء برداشته شده است و ازاین پس میتوانند برای ترجمه هرگونه مدرک به دفتر سازمان مراجعه نمایند.

■ وکیل سازمان.
اعضاء سازمان بعدازترتیبات مخصوصی که داده شده است، ازنیم ساعت مشورت مجانی درهرمورد (ازمهاجرت تا تجارت)، با معتبرترین ومبرزترین وکیل در "سنچری سیتی" مشاوره نمایند.

■ خانواده آمریکائی.
درمورد مسئله جوانان کم‌سن وسال که درجستجوی خانه آمریکائی بودند. مسئول سازمان با تماس با "ویستا دلمار"، درجریان کمبودها ومشکلات آنان قرار گرفت. سازمان تصمیم گرفت علاقمندان تاسیس یک خوابگاه دسته‌جمعی را تشویق به سرمایه‌گذاری دراین راه خیرنماید. چون حداقل مراحل قانونی آن ۲ سال طول خواهدکشید، با همکاری ویستا دلمار "وامور اجتماعی "جوئیش فدریشن" ترتیب اسکان دانش‌آموزان متقاضی را در "خانه‌های گروهی" بدهیم.
خانمهای خانه‌دارکه مایلنداین دانش‌آموزان را در خانه‌های خودبپذیرند وبا اقدام به یک کار خیر درآمدی نیزداشته باشند میتوانند با سازمان تماس بگیرند.

■ مسکن وتجارت.
دردوماه گذشته سازمان درامر پیدا نمودن آپارتمان وخانه، با توجه به آمار موجود، با ۲۵ خانواده مشاوره یا تهیه نموده است. آمار هرروزه آپارتمان درسراسر لس‌آنجلس وحومه درسازمان، برای کمک آماده میباشد. دربخش تجاری نیز ۱۰ مراجعه کننده موردمشورت و تبادل نظر قرارگرفتند.

■ وام تجاری.
اعضاء سازمان میتوانند ازطریق کمیته تجاری برای دریافت "وام تجارتهای کوچک" با بهره کم اقدام نمایند.

■ کار.
۳ موردکاریابی واقدام برای دکترها وامکانات ایالت درمورد امتحانات وکار احتمالی بقیه.

■ دفترسازمان.
آقائی با علوطبع وبدون هیچگونه چشم‌داشتی دفترموقت سازمان رابنا به ضعف مالی سازمان دراختیار سازمان قرار دادند. واکنون سازمان درتمام وقت اداری هفته آماده پاسخگوئی به مراجعان میباشد.

این خدمات ودیگرفعالیتها که فرصت بازگویشان نیست دراختیار، توهموطن عزیز میباشد. برای مقاومت این شمع، ما به حمایت توعزیزنیاز داریم.
گرچه اعضای هیئت مدیره افتخاراً ازوقت وپول خود میگذرند، ولی مخارجی است که ازآن گریزنداریم. با توجه به این نکته، غیرازمشاوره اول، خدمات سازمان منحصر به اعضاست (مگرآنکه واقعا پرداخت این وجه ناچیز برایتان ناممکن باشد).

منتظر دست یاریت

هیئت مدیره سازمان "سیامک"

چشم انداز

شماره اول

IJAC 9171 WILSHIRE BLVD. • SUITE 310 • ROOM 158 •
BEVERLY HILLS, CA. 90210 TEL. (213) 858-9206

IRANIAN JEWISH ASSOCIATION OF CALIFORNIA

نشریه سازمان یهودیان ایرانی مقیم کالیفرنیا "سیامک"   اکتبر ۱۹۷۹

با دوستان

بارها قلم در مقابل خطهای موازی کاغذ موضع گرفت و هربار تاملی کرد و عقب نشینی. چه این روزها لغت شروع کمیاب است. دنبال کلمه محافظه کارانه کوچه به کوچه شدم و خانه به خانه و درها زدم. نه تنها کلمه را سخت تر یافتم، چشمان دیگری نیز بدنبال خود کشیدم. لحظه ها تنگ تر و تنگ تر میشد.

به گوشه اطاق و کتابخانه کوچکم نگاه میکردم و به گلستان سعدی که لابلای کتابهایم لم داده بود، خیره شدم.

منت خدای را عزوجل. خدائی که تا آمدیم شالمرا یاد بگیریم ما را به بخت النصر سپرد تا ببرد و سلام بیاموزد و تا اندر آموختن سلام شدیم ما را به دست نوه کریستف کلمب داد که هلو گوشمان کند.

تا کی راه این مکتب خانه را باید رفت و آمد، ملتی هستیم معتقد به معجزه و یقین نگرانی نیست. ولی تا روز معجزه، چند تائی هستیم که با هم شده ایم، تا گاه گاه در این راه نگاهی بهم داشته باشیم. شعار خودرا در جمع شعارهای دیگر بالا کرده ایم. در میان شعارهائی که بعضی آنجا هستند و نگهداری ندارند و بعضی که نگهدارند ولی در راه دیگری.

شعار ما حاکیست از یکی بودن، حاکی از اینکه حتما نباید دریای سرخ دوازده راه شود تا دوازده قوم یعقوب از آن بگذرند. شعار ما میگوید این بار یوسف را هم با خودمان خواهیم داشت و هر دوازده تا با هم بدنبال گندم خواهیم رفت.

در این گوشه راه، شاهد خسته های زیادی هستیم. شاهد چمدانهائی که یارای حمل شدنشان نیست. و بهانه کودکانی که راه را مشکلتر کرده. میبینیم اینها را و فریاد میزنیم: شعار ما بخوانید، ای کسانیکه از ماه نیسان آمده اید، ماه ماست که تموز است. کجاست قمقمهاتان؟

به محدودیت صفحه نگاه میکنم، و بدنبال عنوانی برای سرمقاله و راهی برای اتمام آن. عنوانی چون "شعار ما"، "بیائید با هم به مکتب خانه برویم" "بدنبال گندم" "ماه تموز" و خلاصه میکنم "منت خدای را عزوجل"

"سردبیر"

یک نامه

نامه ای به برادر عزیز مسلمانم: برادر عزیز، خواستم که در اولین قدم خودم را اولین ارتباطی که با دوستان همدیم برسیده ام، با تو صحبت کرده باشم.
برای من، که به جبر زمان مشغول شدم، عمق این بستگی و هم نشینی هزاران ساله، قابل درک است و احترام.
از یک چشمه آب نوشیده ایم و به آواز یک تاریخ گوش فرا داده ایم.
فراز و نشیبها را با تو دیدم و در تو سرگردان شدم. با تو ماندم و با تو گسیختم. [illegible]
حال، برای منی که سرگردانی سرنوشته ای است ازلی و ابدی، که گرد غربت تازه، چهره ات را پوشانده — چه بسیار از این که در سرچشمه ی همه ی همه وطنی، خود را به آب تازه بشوئیم و در زمان با هم باشیم.
همانگونه که، بودیم

فرد فرد ما

ایرانی ایرانی...

تعداد زیادی از مراجعین به دفتر سازمان، در ماه گذشته از این گله داشتند که بچه های خود را نمیتوانند در مدارس لس آنجلس ثبت نام کنند. تعدادی پذیرش خود را از مدارس دیگری و در ایالات دیگر گرفته بودند. برخی بخاطر نداشتن ویزای دائم نمیتوانستند درهای بسته مدارس را بروی فرزندان خود باز نمایند.

با آنکه هر ایرانی میتواند تا اول ژوئن ۱۹۸۰ در آمریکا بماند و در صورت لزوم حتی کار نماید، قبول نکردن بچه های ایرانی برخوردی بود با این موافقت قبلی آمریکا در مورد ایرانیان.

با مراجعه به وکیل سازمان و تشکیل جلسه با مقامات صاحب نظر فرهنگی جامعه یهودی آمریکا، کمیته فرهنگی به ریاست آقای روبن ملکان، ترتیب مصاحبه ای را با روزنامه معتبر لس آنجلس تایمز دادند که در آن به حلاجی این معضل پرداختند.

بازتاب این مصاحبه در ادارات فرهنگی چنان زیاد بود که خانم "روبرتا واینتراب" مسئول امور فرهنگی بخش لس آنجلس بلافاصله دستور داد که تمام محصلین ایرانی بایستی بدون تبعیض و بی هیچ محدودیتی، بلافاصله ثبت نام گردند.

خانواده های بیشماری در پی اعلام این خبر با مراجعه به دفتر سازمان یا تلفنی از ما تشکر کردند. که ما نیز به سهم خود از آنان تشکر مینمائیم.

دنباله در صفحه ۷